

بررسی نحوه تشکیل و پیامدهای اقتصادی

مؤسسات اعتباری غیربانکی

جناب آقای دکتر حسن سبحانی

استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

۱- چکیده

مؤسسات اعتباری غیربانکی که اخیراً مقررات مربوط به تشکیل و نحوه فعالیت آن‌ها از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام گردیده است در واقع امر بانکهایی خصوصی هستند که به لحاظ حفظ ملاحظاتی تحت عنوان بانک نامیده نشده‌اند. در این مقاله بدنبال بررسی و اثبات این فرضیه هستیم که هدف از طراحی و ایجاد مؤسسات اعتباری غیربانکی ارائه تصویری غیربهنیه و غیرکارآ از فعالیت‌های بانک‌های موجود است که علت‌العلل آن دولتی بودن آنهاست. این فرضیه با بررسی شقوق مختلف اهدافی که در تاسیس این مؤسسات قابلیت احصاء دارد و با عنایت به مکانیسم اداره این مؤسسات و تبعات اقتصادی و بعضاً اجتماعی مترتب بر آن‌ها رد نمی‌شود. نکته‌ای که، زمینه را برای طرح مباحث مربوط به ضرورت خصوصی‌سازی بانکها فراهم می‌سازد و در واقع زمان طرح این ضرورت را در اقتصاد ایران به جلو می‌اندازد.

۲- هدف از تاسیس

آنچه از مؤسسات اعتباری غیربانکی منتشر گردیده و یا در مصاحبه‌ها آمده است هیچکدام اشاره‌ای به هدف از تاسیس این مؤسسات ندارد، لیکن از آنجاکه هر اقدام منطقی باید دلایل مشخص خود را داشته باشد باید برای یافتن هدف یا اهداف احتمالی بدنبال مواردی بود که در شرایط فعلی اقتصاد و بانکداری ما بتواند بعنوان هدف از تاسیس این مؤسسات تلقی گردد. از آنجاکه ما سیستمی

داریم که در آن وظایف بانکی صورت می‌گیرد باید دید چه ضعف‌ها و نارسائی‌هایی بر این سیستم مرتب است که برای رفع تمام و یا بخشی از آنها ایجاد موسسات اعتباری پیشنهاد گردیده است. البته ممکن است استدلال گردد در سیستم بانکی مشکلی وجود نداشته و موسسات مورد بحث به هدف یا اهداف دیگری تاسیس می‌گردند که در آن صورت باید دنبال کشف آن اهداف اهتمام لازم را بعمل آورد اکنون این شقوق مختلف را تبیین می‌کنیم.

الف - هدف از تاسیس موسسات رفع مشکلات شبکه بانکی کشور می‌باشد: مطالعات بعمل آمده نشان می‌دهد که مشکلات بانکداری موجود ممکن است در یک نگرش کلی عدم وجود بهره و حاکمیت قانون عملیات بانکی بدون ربا بر آن باشد و یا در بستر اعمال قانون عملیات بانکی بدون ربا وجود انواع عقود بعنوان روش‌های دریافت تسهیلات توسط مشتریان بانک - دولتی بودن شبکه بانکی و در نتیجه فقدان انگیزه کافی برای مدیریت - فقدان آموزش لازم به پرسنل بانکی، صوری بودن معاملات و عقود بانکی و در نتیجه در مسیر هدف نبودن فعالیت‌های بانکها - ارزان بودن پول‌های واگذار شده در اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه از طرف بانکها و... از مشکلات رایج است. هدف از تاسیس موسسات اعتباری را نمی‌توانیم در مشکل ربوی نبودن فعالیت‌های بانکی خلاصه کنیم زیرا بموجب ماده ۱۶ مقررات تاسیس و نحوه فعالیت، این موسسات مجاز به انجام عملیات ربوی نیستند بنابراین باید در بستر قبول اعمال مقررات مطابق با ضوابط بانکداری بدون ربا - در جستجوی رفع نواقص باشیم. در مقررات تاسیس و نحوه فعالیت تصریح شده است که انواع تسهیلات اعطایی را چه بصورت تخصصی و یا بصورت عمومی مطابق با ضوابط بانکداری بدون ربا می‌توان در این موسسات اعمال کرد لذا از این ناحیه تفاوتی ایجاد نمی‌شود که بیانگر گشایشی برای رفع نقصان باشد مضافاً اینکه در بانکداری رایج فعلی هم، بانکها به اختیار خود عملاً در چند عقد تسهیلات داده‌اند که از جمله آنها فروش اقساطی - مضاربه و مشارکت مدنی است. فقدان آموزش تخصصی برای پرسنل هم چیزی نیست که در موسسات جدید قابل اعمال و در بانکهای موجود قابل اعمال نباشد - معاملات صوری هم که متأسفانه در شبکه بانکی کشور بهر دلیل موجه یا غیره موجهی وجود دارد و موجب شده است اهداف نظام بانکی که از جمله آنها مطابق ماده ۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) تامین شرایط و امکانات کار و سرمایه‌گذاری است حاصل نشود تضمینی ندارد در یک سیستم غیربانکی تحقق یابد، و بالاخره مشکل مربوط به تسهیلات قرض‌الحسنه‌ای که عمده‌تاً در قالب تبصره ۳ قوانین بودجه کشور و جزء این‌ها اعطاء می‌شود و موجب می‌گردد پول ارزان در اختیار مشتریان قرار گیرد هم دیگر محملی برای مطرح شدن ندارد زیرا در سالهای اخیر دولت متعهد شده است که ما به‌التفاوت کارمزد پرداختی توسط مشتریان را با نرخ سود رایج در بازار بپردازد. آنچه می‌ماند دولتی بودن بانکهاست که البته موسسات اعتباری مورد بحث از آنجا که دولتی نیست

می‌توانند رافع مشکل دولتی بودن بانکها باشند (البته با فرض این معنی که دولتی بودن مشکل بانکها باشد) اگر این مقوله درست باشد می‌توان منطقاً این نتیجه‌گیری را بعمل آورد که در ذهنیت طراحان ایجاد موسسات اعتباری غیربانکی دولتی بودن بانکداری مشکلی است که باید بنحوی آن را مرتفع نمود و طریق پیشنهاد شده از جمله آن نحوه‌ها است.

ب - هدف از تاسیس موسسات اعتباری ارتباطی به مشکلات شبکه بانکی کشور ندارد. در اینصورت برخی از اهداف احتمالی با استفاده از روح مقررات تاسیس و نحوه فعالیت می‌توانند بشرح زیر باشند:

ب ۱۰. جذب و تجهیز منابع پولی سرگردان بمنظور کاهش حجم پول و در نتیجه کاهش مشکلات اقتصادی ناشی از بالا بودن نقدینگی.

ب ۲۰. مشارکت مردم در بخش‌های مختلف اقتصادی و افزایش اشتغال و تولید از طریق شبکه موسسات اعتباری.

ب ۳۰. ایجاد رقیب خصوصی برای شبکه بانکی کشور و احتمالاً به تحرک واداشتن این شبکه.

ب ۴۰. ایجاد شرایط برای قضاوت سیاستگذاران مبنی بر ضرورت غیردولتی کردن شبکه بانکی کشور.

ب ۵۰. کمک به بخش دولتی جهت تجهیز منابع و برنامه‌ریزی برای به جریان انداختن بهینه و سریع منابع تجهیز شده در بخش‌های مختلف اقتصادی در قالب عقود مختلف.

ملاحظه می‌شود که برای رسیدن به اهداف شماره‌های ۱، ۲ و ۵ در شبکه فعلی هم مشکلی وجود ندارد. چنین نیست که مردم به خاطر عدم اطمینان به شبکه بانکی و یا سرمایه‌گذاری توسط شبکه بانکی با مکانیسم‌های جاری شورای پول و اعتبار مشکلی داشته باشند که ایجاد موسسات اعتباری رافع این مشکلات باشد در هدف شماره ۵ هم، مشکلی نداریم زیرا بر فرض در شعبی کثرت کسانی که می‌خواهند پس‌انداز کنند زیاد باشد برای شبکه بانکی امکان ایجاد شعب بیشتر وجود دارد و لذا منطقی نیست با این هدف بدنبال تاسیس موسسات اعتباری رفت. بنظر ما هدف ۳ هم نمی‌تواند محلی از اعراب داشته باشد زیرا تحرک یک بنگاه در صحنه رقابت وقتی عقلانی است که وابستگی‌ها و شرایط نهادی هم عرض برای آن با بنگاه رقیب وجود داشته باشد وقتی شبکه بانکی دولتی است ضرورتاً فعال شدن شبکه موسسات اعتباری انگیزه‌ای برای به تحرک آمدن این شبکه دولتی نیست زیرا انگیزه‌های دیگری لازم است تا در یک سیستم دولتی کارائی افزایش یابد والا در شرایط رکود ویژگی‌های حاکم بر محیط کار و پرسنل هیچ اتفاقی نمی‌افتد و اگر بگوئیم دولت بعنوان مالک بانکها تلاش می‌کند تا در رقابت با شبکه خصوصی یعنی موسسات اعتباری عقب نماند این معنی مطرح می‌شود که مگر آنچه در فقدان این موسسات عامل افزایش بهره‌وری است از اطلاع دست‌اندرکاران بانکی کشور بدور است که لزوماً ایجاد موسسات اعتباری آن‌ها را متبلور می‌کند؟ آنچه باقی می‌ماند

هدف چهارم است بدیهی است موسسات اعتباری حتی اگر با مکانیسمی شبیه بانکهای دولتی در قبول سپرده و اعطای تسهیلات عمل کنند از آنجا که امکان لازم برای با انگیزه کار کردن را دارند از بانکهای دولتی کارآتر عمل نموده و شرایط لازم را برای قضاوت سیاستگذاران مبنی بر ضرورت غیردولتی کردن شبکه بانکی کشور بوجود می آورند.

۳ - پیش بینی مکانیسم فعالیت در موسسات اعتباری

براساس مقررات تاسیس و نحوه فعالیت موسسات اعتباری غیربانکی موسسات اعتباری که بعنوان واسطه پیش بین عرضه کنندگان و متقاضیان منابع مالی عمل می کنند (ماده ۱) و در قالب موسسه تخصصی (ماده ۲) یا عمومی (ماده ۳) فعالیت می نمایند از یک طرف سپرده های غیر دیداری مثل سپرده های قرض الحسنه پس انداز و سپرده های مشابه غیر دیداری و سپرده های مدت دار و منابع ناشی از انتشار اوراق مشارکت و قرض الحسنه و... (ماده ۱۷) را دریافت و از طرف دیگر به اعطای تسهیلات اعتباری در چهارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مبادرت می نمایند (ماده ۱۹). در بند ۲ از ماده ۲۷ هم آمده است که موسسات اعتباری مکلفند انواع نرخ سود سپرده ها، تسهیلات، کارمزدها و همچنین جوایز خود را که بانک مرکزی طبق ضوابط مصوب شورای پول و اعتبار تعیین می کند رعایت نمایند هر چند از این بند از ماده ۲۷ بر نمی آید که نرخ سود سپرده، تسهیلات و کارمزدها و جوایز تعیین شده برای این گونه موسسات که از طرف بانک مرکزی و مطابق ضوابط مصوب شورای پول و اعتبار تعیین می شود برابر یا بیشتر و یا کمتر از انواع نرخ هائی است که برای بانکهای دولتی معین می شود اما با توجه به مصاحبه رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که گفته اند «برای موسسات اعتباری غیربانکی عمومی نرخ سود مورد انتظار تسهیلات اعتباری یک درصد بالاتر از نرخ سود موجود بانکها خواهد بود و نرخ سود سپرده در اختیار این موسسات است که در شرایط سودآوری طبق مقررات عقود اسلامی می توانند به سپرده گذاران اعطاء کنند» (روزنامه کیهان مورخه).

باید لاقول نرخ سود مورد انتظار تسهیلات اعتباری را، که این موسسات اعطاء می کنند یک درصد بالاتر از نرخ دریافتی توسط بانکها بدانیم اما در خصوص نرخ سود انواع سپرده و کارمزدها و جوایز سه حالت قابل تصور است:

- ۱- ۳ - نرخ سود سپرده ها و کارمزدها در موسسات اعتباری بیشتر از نرخ های مربوطه در بانکها باشد.
 - ۲- ۳ - نرخ سود سپرده ها و کارمزدها در موسسات اعتباری برابر با نرخ های مربوطه در بانکها باشد.
 - ۳- ۳ - نرخ سود سپرده ها و کارمزدها در موسسات اعتباری کمتر از نرخ های مربوطه در بانکها باشد.
- اکنون باید توجه کرد که اگر بند (۱) برقرار باشد با توجه به میزان ما به التفاوت، منابع از جانب

بانکهای دولتی به سمت موسسات اعتباری سرازیر می‌شود و امکانات آنها را برای اعطای تسهیلات بیشتر نمی‌نماید و در عین حال با کاهش در میزان سپرده‌های قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری در بانکها زمینه‌های ایجاد مشکل در ایفای وظایف محوله بعهدہ نظام بانکی را فراهم می‌کند.

برقرار بودن شرایط بند (۲) موجب می‌شود که صاحبان منابع به دلخواه بین بانکهای دولتی و موسسات اعتباری یکی را انتخاب کنند و احتمالاً این انتخاب بستگی به امتیازات دیگری خواهد داشت که موسسه یا بانک به صاحبان سپرده می‌دهد ولی در هر حال حداکثر بی تفاوتی مشتری بین موسسه و بانک است هر گاه شرایط بند (۳) برقرار باشد در آنصورت با توجه به میزان مابه‌التفاوت، منابع مالی جذب بانکهای دولتی می‌شوند و امکانی برای تجهیز منابع از جانب موسسات اعتباری نخواهد بود. بنابراین آنچه بنظر می‌رسد عامل عدم لطمه به بانکهای دولتی در جذب سپرده‌ها است همانا بند (۲) است که برابری انواع نرخ‌های سود را مطرح می‌کند که این مورد هم با توجه به نرخ سود تسهیلات وضعیت دیگری بخود می‌گیرد.

اکنون به کل جریان قبول سپرده و اعطای تسهیلات نگاه می‌کنیم اگر نرخ سود انواع سپرده‌ها در موسسات اعتباری بیشتر از نرخ سود بانکها باشد سپرده مردم جذب این موسسات می‌شود در حالیکه تقاضای مردم برای اخذ تسهیلات (بخاطر یک درصد ارزان‌تر بودن آن در بانکهای دولتی) معطوف به این بانکها خواهد بود مگر اینکه میزان فزونی نرخ سود موسسات اعتباری از بانکها آنقدر باشد که جبران یک درصد افزایش نرخ سود تسهیلات را بنماید و یا بانکهای دولتی نتوانند جوابگوی تمامی درخواستهای این عده باشند. و یا احتمالاً شرایط اعطای تسهیلات در موسسات اعتباری ساده‌تر از بانکها باشد بنحوی که شرایط سهل‌تر جبران یک درصد بالاتر بودن نرخ را بنماید. البته بنظر می‌رسد در چنین شرایطی بانکهای دولتی به سمت رکود و احتمالاً زیان‌دهی تدریجی میل کنند. اگر مفاد بند (۲) یعنی برابری انواع نرخ‌های سود در موسسات اعتباری و بانکها برقرار باشد در آنصورت سپرده‌ها در موسسات و بانکها بلحاظ توزیع بی تفاوت است اما گرایش به سمت اخذ تسهیلات از شبکه بانکی است در نتیجه زمینه برای آمادگی کمتر بانکها به اعطای تسهیلات فراهم می‌شود و این در حالیست که در موسسه اعتباری سپرده‌هایی است که مقدماً و زمانی که بانکهای دولتی پاسخگوی تسهیلات درخواستی هستند بدون متقاضی می‌مانند.

اگر شرایط بند ۳ واقع شود یعنی نرخ سود انواع سپرده‌ها در موسسات اعتباری کمتر از بانکهای دولتی باشد بدیهی است که نه جذب سپرده دارد و نه مقدماً تقاضای دریافت تسهیلات از مشتریان چرا که نرخ دریافتی تسهیلات آنها هم یک درصد بیشتر از بانکهای دولتی است. ملاحظه می‌شود که فقط شق اول یعنی پرداخت نرخ سود بالاتر از بانکها به انواع سپرده‌ها و دریافت یک درصد نرخ سود تسهیلات بیشتر از بانکهای دولتی برای موسسات اعتباری می‌تواند عقلانی باشد.

۴- بررسی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی تشکیل موسسات اعتباری

هر چند الان در خصوص پیامدهای ناشی از تاسیس موسسات اعتباری غیربانکی نمی‌توان اظهار نظر قطعی نمود. لیکن می‌توان با توجه به شرایط اقتصادی کشور و اطلاعاتی که از نوع و میزان فعالیت بخش خصوصی در کشور بلحاظ تاریخی وجود دارد تا حدودی دورنمای این پیامدها را پیش‌بینی نمود. بخش خصوصی در ایران وضعیت متشکل و تعریف شده‌ای ندارد و کسانی که مبادرت به سرمایه‌گذاری می‌کنند هم قاعدتاً تا اندازه زیادی متأثر از شرایط سیاسی و اوضاع و احوال اقتصادی پیش‌بینی شرایط آتی تصمیم‌گیری می‌کنند. بنظر می‌رسد شرایط بگونه‌ایست که بخش خصوصی ما از ریسک‌گریزی بالائی برخوردار بوده و تمایل به سرمایه‌گذاری در برخی از مقوله‌های اقتصادی می‌رود و چنین نیست که مثلاً سرمایه‌گذاری در امور زیربنائی و اجتماعی بتواند از اهداف این بخش قلمداد شود از این روی این نگرانی وجود دارد که تسهیلات اعتباری موسسات اعتباری بیشتر معطوف به عقد مضاربه و یا همانگونه که در بانکهای دولتی هم طرح است فروش اقساطی و معاملات سلف و... شود و مقوله تولید ایجاد اشتغال همچنان مسکوت و یا تحت‌الشعاع عملیاتی صوری قرار گیرد. البته در ماده ۲۴ مقررات تاسیس و نحوه فعالیت این موسسات خرید و فروش کالا یا اموال دیگر توسط موسسات ممنوع شده است لیکن چون استثنائی دارد که کالا یا اموال موضوع تسهیلات اعتباری را شامل می‌شود لذا وجود این دغدغه امری منطقی و عقلانی می‌نماید. در نظر گرفتن اوضاع و احوال اقتصادی ناشی از اجرای سیاست‌های مربوط به تعدیل اقتصادی و افزایش قیمت‌ها در اجتماع، که عمدتاً نسبت به بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌ها حساس هستند می‌تواند بستر مناسبی برای تحقق معاملات و عقود باشد که بازدهی مطمئن، با نرخ سطح بالا و زود بازده دارد و این امر می‌تواند بلحاظ اجتماعی مردم را بجای دعوت به مشارکت برای سرمایه‌گذاری در امور مولد و عرضه کالاهای مورد نیاز مردم از طریق پس‌انداز از ویژگی راحت‌طلبی و منفعت‌طلبی افراطی برخوردار باشد. بدیهی است این منفعت‌طلبی ریشه در شرایط اقتصادی و کمبود کالا و در نتیجه احتیاج مردم به عرضه کالاهای مشمول موضوع دارد اگر چنین مقوله‌ای محقق شود در مجموعه اقتصاد، تقاضا برای کالاها و خدمات با عنایت به سرعت گردش پول بسیار زیاد می‌شود و این در حالی است که عرضه کالا با خدمات بهمان نسبت نبوده و لذا افزایش قیمت‌ها اجتناب‌ناپذیر و شرایط اقتصادی شکننده‌تر می‌گردد. بنظر ما هر چند نفس تاسیس موسسات اعتباری و جستجوی سودآوری در آن بتواند وجهه خوبی از فعالیت بخش خصوصی در اداره خوب این موسسات مطرح کند لیکن نمی‌تواند به ایجاد و یا تقویت و یا تعمیق و سنجیده عمل کردن بخش خصوصی در کشور منجر شود البته برای سیاستگذار این امکان وجود داشته است که جهت و نوع عقود و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف را با انحاء مختلف و مقتضی تعیین کند لیکن مقررات اعلام شده در این خصوص مسکوت است و ما نمی‌توانیم

لزوماً از این سکوت عملکرد خوبی در زمینه‌های افزایش تولید و اشتغال را پیش‌بینی کنیم هر چند این عدم توانایی به پیش‌بینی آنچه رخ می‌دهد در قبال موارد تجاری و... هم وجود دارد لیکن با عنایت به شناختی که از فعالیت بخش خصوصی در جامعه وجود دارد می‌توانیم تمایل خود را به پیش‌بینی در راستای نوع اخیر نشان دهیم.

۵ - بررسی میزان مطابقت موسسات اعتباری غیربانکی با ویژگی‌های بانک

معمولاً وظایفی را که بر عهده بانک‌ها قرار دارد در سه دسته تجارت پول، عملیات اعتباری و عملیات مالی طبقه‌بندی می‌کنند (پول و بانک در اقتصاد جدید صفحه ۶۷) غرض از تجارت پول تبدیل پول‌ها به یکدیگر بر حسب نرخ متداول است و عملیات اعتباری در واقع مبادله ثروت موجود در حال به وعده ثروت در آینده است که به اعتبارات کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم می‌شود و در عملیات اعتباری بلند مدت بانک با دریافت پس‌انداز افراد از طریق انتشار اوراق سهام و قرضه و یا با دریافت سپرده‌های ثابت زمینه را برای اعطای اعتبارات به سرمایه‌گذاران فراهم می‌سازد. در عملیات مالی بانک با خرید و فروش اوراق بهادار نقش واسطه را بعهده دارد در عملیات مالی بلند مدت بانک سرمایه خود را برای خرید اوراق سهام شرکت‌ها بکار می‌اندازد یعنی با خرید قسمتی از سهام شرکت‌ها در آن‌ها سهام‌گذاری می‌کند (همان مأخذ صفحه ۶۸) همچنین مطابق ماده ۵۷ قانون بانکی و پولی ایران بانک موسسه‌ایست که بصورت شرکت سهامی تشکیل می‌شود، با توجه به آنچه آمد بنظر می‌رسد اکثریت قریب به اتفاق وظایف مطرح شده، در مقررات تاسیس و نحوه فعالیت موسسات اعتباری غیربانکی وجود دارد مواد ۷ و ۸ مقررات، موسسات اعتباری را اعم از آنکه تخصصی باشد و یا عمومی بصورت شرکت سهامی تعریف نموده است و ماده ۲۲ اعلام کرده است موسسات اعتباری می‌توانند با مجوز بانک مرکزی به انجام عملیات ارزی مبادرت نمایند (تجارت پول) ماده ۱۷ تصریح دارد که موسسات اعتباری می‌توانند منابع مالی مورد نیاز خود را به طرق ذیل تامین نمایند:

۱ - قبول سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز، سپرده‌های مشابه غیردیداری

۲ - قبول سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

۳ - انتشار اوراق مشارکت و اوراق مشابه

۴ - انتشار اوراق قرض الحسنه

۵ - دریافت تسهیلات از اشخاص حقیقی و حقوقی

ملاحظه می‌شود عملیات اجرایی در قالب منابع شمرده شده جزء همان عملیات اعتباری بانک است.

همچنین در ماده (۱) که موسسات اعتباری غیربانکی واسطه بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان

منابع مالی اعلام گردیده تا منابع خود را به اعطای تسهیلات اعتباری و یا هر نحو دیگری به تشخیص بانک مرکزی اختصاص دهند، در واقع صحبت از عملیات مالی بانکهاست.

با توجه به آنچه آمد این سؤال مطرح است که وقتی این موسسات تقریباً تمامی عملیات مربوط به بانکها را انجام می‌دهند (باستثنای حساب جاری) بنحوی که تعریف بانک بر آنها صادق است نامگذاری آنها به موسسات اعتباری غیربانکی چه وجهی دارد. ما بر آن هستیم که آنچه قرار است بوجود آید بانکهای هستند که در بخش خصوصی فعالیت می‌کنند و یا نزدیک‌ترین موسسات به بانک می‌باشند (اگر وجود حساب جاری را در تعریف بانک خیلی مهم بگیریم).

نتیجه‌گیری:

هدف از تاسیس موسسات اعتباری غیربانکی در کنار بانکهای دولتی کشور بلحاظ منطقی نمی‌تواند رفع نواقص موجود در شبکه بانکی را به‌مراه داشته باشد. همچنین بنظر می‌رسد که پرداختن به فعالیتهای مولد و افزایش تولید و ایجاد اشتغال نمی‌تواند از جمله اهداف شبکه موسسات اعتباری غیربانکی باشد مکانیسم عملکرد موسسات اعتباری مورد بحث قاعدتاً باید بنحوی باشد که بتواند منابع را جذب کند و برای این کار باید تسهیلاتی در اختیار مشتریان خود قرار دهد که بیشتر از تسهیلات بانکهای دولتی است. انجام این عمل موجب رکود بانکهای دولتی خواهد شد، لذا با توجه به شناختی که از بخش خصوصی در کشور داریم قابل پیش‌بینی است که موسسات مورد بحث به سمت فعالیتهایی کشانده می‌شوند که سودآوری سریع‌تر - بالاتر و بدون خطر داشته باشند و اینها موجب می‌گردد که رشته‌های مشخصی از فعالیتهای از طریق این شبکه حاصل آید، در ضمن اثبات شد موسسات اعتباری برخوردار از همه ویژگی‌های بانکها می‌باشند زیرا به عملیات سه‌گانه ارزی - اعتباری، و مالی اقدام می‌کنند و لذا بانکهای هستند که بلحاظ حفظ ملاحظاتی از نامیدن آنها به بانک خودداری شده است.